

نسل جوان و فرهنگ و ادب کهن:

رویکردی دیگرگونه

جلیل دوستخواه

نمایشی (کارشناس ارشد در رشته سینما)، یکی از این جوانان است که داستان بلند (یا - به تعبیر خودش - رُمان) سه بخشی موضوع این بررسی را بر بُنیاد نگرشی به همهٔ دَرون‌مایه‌های اسطوره‌گی و حماسی ایران از آفرینش تا رستاخیز (یا - بهتر گفته باشم - «فَرش کرد» / نوگردانی جهان و زندگی در پایان زمان و گردش گیتی)، ساخته و پرداخته است. نویسنده، متن این اثر را در ساختار روایتی از زبان راوی یکم کس شکل بخشیده که خود نیز، یکی از نقش‌ورزان کلیدی است و با سه نام به عرصه می‌آید (در دفتر یکم، **اردشیر**، در دفتر دوم، **سیاوش** و در دفتر سوم، **بَر دیا**؛ اما هر سه یگانه و این همان). گفتاوردهایی از دیگران، در متن گفتارِ راوی و همانا بازشناختنی از آن، آمده است. بر روی هم، این روایت بلند - به تعبیر حافظ - «طیّ زمان و مکان» و پُل پیوندی استوار است در میان امروز تاریخی و واقعی و آشکار و شناختنی با همهٔ بخشهای گذشتهٔ دور در فراسوی هزاره‌ها و پوشیده در مه‌آلودگی و رازوارگی اسطوره و افسانه و حماسه. اما خیال‌نگاره‌های درخشان و چشمگیر پدیدآوردهٔ نویسنده، چنان کشتی دارند که آن رازوارگی را تا مرز دیگردیی به واقعیت دریافتنی کنونی، آشکارگی می‌بخشند و به ذهن و ضمیر خواننده، نزدیک می‌کنند. خواننده از دیدار سیما و کُنش فرا واقعی سیمرغ - که نه تنها تن کوچک راوی، بلکه پیکر عظیم کوه دماوند را از جای بر می‌گیرد و با خود می‌بَرَد - در کنار هوایمای غول پیکر امروزین - که کارکردی دانشی و فنی و قانونمند و کاربردی واقعی و روزمره دارد - دچار ناباوری و آشوب ذهنی نمی‌شود. نویسنده در روی‌آوری به اسطوره و حماسهٔ ایران، درون‌مایه‌های آنها را رونویسی نکرده؛ بلکه بُن‌مایه‌ها را برگرفته و به تناسب ساختار برگزیده‌اش برای این روایت، آنها را با پاره‌ای دیگرگون - گردانی‌های بایسته، با سامانی نو، در عرصهٔ نوشتارش در چیده است. بر آیند این کوشش و کُنش نازک‌کارانه و ماهرانه، داستانی پُرکشش شده است برای نوجوانان و جوانان امروزین که چشمداشتِ روی‌آوری آنها به خاستگاههای بُنیادین اسطوره و حماسهٔ ایران - به ویژه در سنّ و حال و هوای کنونی‌شان - شاید توقعی بی‌جا باشد؛ اما خواندن چُنین اثری، رغبت و شور آنان را برای گام نهادن در راه دشوار پژوهش و شناخت و روی‌آوری به سرچشمه‌های این فرهنگ (گاهان زرتشت، متنهاى نوآستایی، ادب فارسی میانه و شاهنامه) برخواهد انگيخت. بی‌سبب

پارسیان و من. آرمان آرین. دفتر یکم: کاخ اژدها، دفتر دوم: راز کوه پرنده، دفتر سوم: رستاخیز فرا می‌رسد. تهران: موج، ۱۳۸۵. ۲۲۴ + ۲۲۸ + ۲۴۰ ص.

در سالهای اخیر و در پی شتاب بیشتری که در گسترهٔ جهان در راستای دیگرگون شدنِ چگونگی نگرش به میراث فرهنگی پیشینیان به چشم می‌خورد، نسل جوان میهن‌مان نیز در هر دو سوی مرز، رویکردی ناهمگون با نسلهای پیش از خود، به مُرده ریگ فرهنگی و ادبی نیاکان نشان می‌دهد. نمودهای این نگرش تازه را می‌توان در هنرهای نمایشی، موسیقی و ادبیات دید و بررسید و ارزیابید.

چون نیک بنگریم، این یکی از ویژگیهای اندیشه و کردار ایرانیان از روزگاران کهن بوده است که همواره در جُستار تازه‌ها و دیگرسان‌ها (از هر کس و هر جا و در هر زمینه‌ای) و هم آمیزی آنها با بُن‌مایه‌ها و درون‌مایه‌های بومی و آشنا و پدیدآوردن گونه‌های متفاوت و زدن انگ و رنگ ایرانی بر آنها، بوده‌اند.

آغاز این فرآیند در عصر جدید، به بیش از یک سده پیش ازین و هنگام پدیداری نخستین نشانه‌های پویایی و رهایی‌جویی باز می‌گردد و برآیند - هر چند به تناسب ساختار جامعهٔ ما - کُند و تدریجی آن را در عرصه‌های شعر، داستان‌نویسی، نگارگری (نقاشی)، هنرهای نمایشی و پژوهش می‌توان مشاهده کرد.

نسل جوان کنونی هم، آگاهانه و هوشمندانه و پویا، پابر جای پویندگان و نوجویان و دیگر اندیشان پیش از خود می‌گذارد و بی‌آنکه چشم و گوش بسته، از کارهای آنان گرت‌برداری کند و تقلیدگرانه «ره چنان رُود که رهروان رفتند»، در عصری که پیوندهای جهان شمولِ رسانه‌گی، شتابی شگفت یافته و امکان دستیابی به دستاوردهای فرهنگی دیگران را صدها برابر گذشته کرده است، راهنورد سخت‌گام این راه ناهموار شده است.

در اینجا، برای پرهیز از درازسخنی، از پرداختن به نمونه‌های گوناگون این دیگرنگری و دیگردیی - که پیش از این در برخی از بررسیها و نقدهای خود، بدانها اشاره کرده‌ام - خودداری می‌ورزم و تنها نگاهی کوتاه به یکی از تازه‌ترین آنها در گسترهٔ ادب می‌اندازم. آرمان آرین، نویسنده و پژوهندهٔ جوان و ویژه‌کار در زمینهٔ هنرهای



چشم می‌خورد که می‌توان امیدوار بود در بازنگری و ویرایشی تازه از آن، سامانی درست و سزاوار بیابند. به آرمان آرین برای این کار شایسته‌اش آفرین می‌گویم و کامیابیهای بیشتری را در پیمودن این راه فرخنده، برایش آرزو می‌کنم.

کانون پژوهشهای ایر ان‌شناختی
تازویل، کوبنلند - استرالیا
پنجم اسفندماه (اسفندگان) ۱۳۸۶

نیست که این کتاب، برنده چندین جایزه و لوح تقدیر و تشویق، از جمله جایزه جشنواره شورای کتاب کودک و لوح تقدیر جشنواره مهرگان ادب گردیده و چندبار باز چاپ شده است.

*

زبان و بیان پارسیان و من، بر روی هم، ساده و روان و به دور از هرگونه ناهموازی و پیچیدگی است و به خوبی در خدمت آماج نویسنده، یعنی برانگیختن رغبت نوجوانان و جوانان به خواندن چنین متنی قرار دارد. تنها در موردهای اندکی، پاره‌ای نابجایی‌ها و ناروایی‌ها در نگارش به

بنیاد کودک همواره به این می‌اندیشد که هیچ دانش‌آموزی با استعدادی نباید به علت مشکلات مالی از تحصیل و تلاش باز بماند.

بنیاد کودک
Child Foundation

فازای مقام مشورتی اکوسوک سازمان ملل متحد

بنیاد کودک تنها موسسه غیره مردم‌نهاد ایرانی می‌باشد که علاوه بر ایجاد دفاتر رسمی در کشورهای آمریکا، سوئیس و امارات متحده عربی، هم‌اکنون با تحت پرورش قرار دادن ۳۲۰۰ مددجو در استان‌های ایران، شعبه‌های انجمنی در تهران، شیراز، کرمانشاه، سروجره، اردبیل، ارومیه، بم، کاشان، مشهد، تبریز، آمل، اصفهان و یاسوج دارد.

« با پذیرش کفالت یک دانش‌آموز نیازمند و با استعداد، زندگی و تحصیل او را بیمه کنیم »

دفتر مرکزی: تهران، خیابان طر مشهور، خیابان گلشن، کوچه گلزار، پلاک ۲۰
مستدوق پستی: ۱۳۱۵۵-۲۱۷۹ تلفن: ۰۲۱-۲۱۸۲۰۸۵۰ فاکس: ۰۲۱-۸۸۷۳۳۷۷۱

www.childf.org
info@childf.org